

**لیست سفارت آمریکا از ۴۰ خانواده** **شدنی نیست** – ۶

# لیست سفارت آمریکا از ۴۰ خانواده دوران پهلوی که قدرت بین آنها دست به دست می‌شد

■ **سید روح‌الله امین آبادی**

■ **شاه تنها است زیرا او به دنبال اطلاعات است و نه در جست و جوی مشاوره، چرا که تعداد مددودی در جامعه می‌توانند به او پند و توصیه دهند، او تصمیم می‌گیرد و دیگران اجرا می‌کنند.**

“

کشور محسوب نمی‌شود. تعداد اینان همیشه ثابت نیست و ثروت آن‌ها بر حسب شانس و مهارت اعضایشان کم و زیاد می‌شود... دربار شاه محل اطلاعات خیلی از برنامه‌ها می‌باشد. در خانواده شاه یک طبقه شهوتران و از نظر مالی فاسد وجود دارند، که برجسته‌ترین آن‌ها خواهر دوقلوشی اشرف‌است که صاحب طبعی حریص و تمایلات جنسی مفرط می‌باشد.»<sup>(۱)</sup>

در ادامه این جزوه درباره روایات شاه نیز نکات قابل تاملی در دسترس مامورین آمریکایی قرار گرفته و آمده است «شاه تنها است زیرا او به دنبال اطلاعات است و نه در جست و جوی مشاوره، چرا که تعداد مددودی در جامعه می‌توانند به او پند و توصیه دهند. او تصمیم می‌گیرد و دیگران اجرا می‌کنند.»<sup>(۲)</sup>

■ **مجلسی آلت دست شاه!**

تقلب در انتخابات دوره پهلوی امری است اثبات شده که شاه خود در روزها و ماه‌های پایانی سلطنت خود به آن اعتراف کرده و قول اجرای انتخاباتی سالم را به مردم داد، وعده‌ای که نتوانست مردم را فریب داده و از راهی که می‌روند منصرف سازد با این وجود اسناد لانه جاسوسی نیز به نقل و صورتی بودن انتخابات در این دوره معتترف است. در جزوه‌ای که ذکر آن رفت آمده است «در طول ۱۲ سال گذشته مجلس آلت دست شاه بوده است و مقاصد شاه را برآورده می‌کرده است و تمام نمایندگان که با دقت به وسیله شاخ‌های می‌شوند حامی برنامه‌های شاه می‌باشند.»<sup>(۳)</sup>

طبیعی است مجلسی که آلت دست شاه بوده و نمایندگان عضو



آن توسط وی انتخاب و معرفی می‌شدند نمی‌توانست به دنبال منافع جز طمع‌امع ۴۰ خانواده متغذ باشند.

■ **شاهی که در برابر مفاسد خواهر خود ناتوان بود!**

اسناد لانه جاسوسی اطلاعات موسعی از خانواده شاه و مفاسد این خانواده بخصوص اشرف می‌دهد و اذعان می‌کند که پهلوی قادر نبود و یا نمی‌خواست جلوی این فسادهای گسترده را بگیرد «شرف به جهت فساد مالی و موفقیت در تعقیب مردان جوان شہرتی افسانه‌وار دارد. تا به حال هیچ کس در تعلق خاطر اشرف به برادر دوقلوی خود تردید نکرده است و وی احتمالاً پشتگرمی دادن به شاه را در مقاطع بحرانی گذشته به عهده داشته است. شاه مایل یا قادر به اتخاذ تدبیر موثر در محدود کردن فعالیت‌های میهمی که او و پسرش شهرام به آن اشتغال داشته‌اند، نبوده است.»<sup>(۴)</sup>

این سند می‌افزاید « شاه و خاندان سلطنتی در احاطه دسته بزرگی از افرادی است که یا در فداکاری یکی از اعضای خاندان اشتغال رسمی یا نیمه رسمی دارند، یا از متعلقان ساده، دوستان

یا کارکنان دربارند، یا این که عضو آن هستند، جمع این افراد، انواع زیرک، لایق و قابل تا بیکاره، چاپلوس و نفع‌پرست را شامل می‌شود. در مجموع تعادل احتمالاً به جانب میانه سوق دارد.»<sup>(۵)</sup>

طبیعی است حکومتی که قادر نبوده و نیز تمایلی برای مقابله با مفاسد نزدیکان نداشته باشد عاقبتی جز آن چه که در سال ۱۳۵۷ بر سر پهلوی آمد در انتظارش نیست، شاه را افرادی بیکاره، چاپلوس و نفع پرست احاطه کرده بودند افرادی که نفع خود را در طول اراده شاه بی

می‌فرستند تا هیچ‌گاه این منافع به خطر نیفتد همانان که وقتی دیدند رژیم در حال سقوط است هر آن چه نباشته بودند به خارج منتقل کرده و سال‌ها با آن خوردند و پرور شدند!

■ **بهایبی متغذنی که در ماه عسل شاه حضور داشت!**

اسناد لانه جاسوسی افراد متغذ در عین حال منحرف از جمله بهایی‌ها را در حکومت شاه بر می‌شمرد، یکی از این افراد ایادی پزشک مخصوص شاه بود، در بخشی از اسناد در رابطه با این فرد آمده است «حلقه داخلی شاه بیشترین نفوذ را بر وی دارد و طرق ارتباط با بخش‌های مهم جمعیت را فراهم می‌کنند، آنها اولین گروه در تصویر هستند. بقیه هم جزو اطرافیان شاه می‌باشند اما ظاهراً عملکرد متعادلی دارند. رابط شاه با مقامات ارتشی و امنیتی سرلشکر حسین فردوست است. دکتر عبدالکریم ایادی، پزشک مخصوص ششاه، ظاهراً مجرای اصلی مداخله شاه در امور بازرگانی است. گفته می‌شود که ایادی حتی در سفر ماه عسل شاه با ثریا، شاه را همراهی کرد. از دیگر گزارشات این است که وی نیابت شاه را در شیلات جنوب به عهده داشت. ناظران مطلع، آن فعالیت‌را ترکیبی از عدم کارایی و فساد وصف کرده‌اند که هیئت مدیره آن مملو از تیمسارهای بازنشسته بود. افتضاح این فعالیت ظاهراً آنقدر عظیم بود که تمام شرکت دوباره سازماندهی شد، و تحت مدیریت دیگری قرار گرفت. ایادی بهایی است و یک ناظر، وی را یکی از کسانی خواند که این فرقه را از تعقیب مسلمانان ایرانی متعصب‌تر حفظ کرد.»<sup>(۶)</sup>

البته ایادی تنها بهایی حاضر در سلطنت شاه نبود که این حکومت را در واقع فرقه منحرف و ضاله بهایی اداره و هدایت می‌کرد. دربار هویدا که عهده دار و تلاشند بهایی بودن او را انکار کنند در اسناد لانه جاسوسی آمده است «گزارش شده که هویدا از یک خانواده بهایی است. این واقعیتی است که می‌توان قفیمید او مایل است مسکوت بماند. می‌گویند که پدر بزرگش که یک خیاط قزوینی بود پیرو مؤسس بهائیت و پدرش نیزمنشی کار رهبر بهایی در «عکا» بوده است.»<sup>(۷)</sup>

■ **این اسناد را باید خواند**

در این رابطه گفتنی‌های فراوان دیگری نیز هست که در آینده بدان خواهیم پرداخت، بی‌شک اسناد لانه جاسوسی خواندنی‌های مغفول زیادی در خود دارد که بایستی آن‌ها را مرور کرد، رهبر معظم انقلاب ۱۲ آبان ۱۳۹۴ در دیدار دانش آموزان و دانشجویان به این مهم تأکید کرده و فرمودند «جوان‌های عزیز! اسناد لانه جاسوسی را بگیرید بخوانید، درس آموز است. دانش‌جویانی که سفارت را تسخیر کردند و فهمیدند اینجا لانه جاسوسی است، با زحمت زیاد این اسناد را –که سعی کرده بودند در کاغذخردکن‌ها آنها را خرد کنند، نابود کنند- به هم چسباندند، با زحمت زیاد اینها را استحصال کردند و منتشر کردند؛ هفتاد، هشتاد جلد کتاب منتشر شده است. اینجا نشان می‌دهد که آمریکایی‌ها چه در هنگام اوج نهضت، چه در هنگامی که نهضت و انقلاب پیروز شده است و جمهوری اسلامی تشکیل شده است، دائم در حال توطئه علیه نظام اسلامی بوده‌اند، آمریکا این است. اینجا مسائل مربوط به بعد از انقلاب است.»<sup>(۸)</sup> ایشان همچنین ۱۲ آبان سال‌ سال جاری نیز در دیدار دانش آموزان و دانشجویان خواسته سال‌ سال قبل خود را با لحنی صریح تکرار و اظهار داشتند «۷۰ جلد کتاب از اسناد لانه جاسوسی منتشر شده است؛ چرا هیچ نشانه‌ای از این کتاب‌ها در مدارس و دانشگاه‌ها نیست؟ این یکی از اعتراض‌های من است. وزیر جدید هم در جلسه هستند. چرا این اسناد در کتاب‌های دانش آموزان نیست تا جوانان بدانند و بفهمند در کشور چه گذشته است.»<sup>(۹)</sup>در این راستا در هفته‌های آینده بریده‌ها و بخش‌های دیگری از اسناد لانه جاسوسی را مرور خواهیم کرد.

■ **منابع در دفتر روزنامه موجود است.**

صفحه ۷  
پنج‌شنبه ۵ اسفند ۱۳۹۵  
۲۵ جمادی‌الاول ۱۴۳۸ – شماره ۲۱۵۷۰

## چرا جنگ نظامی علیه ایران بلوفی بیش نیست

■ **رضا رحمتی**

درست یک سال قبل، رهبر معظم انقلاب در جمع مردم آذربایجان پرده از «تاکتیک» جدید ایالات متحده، بعد از توافق برجام برداشتند. ایشان چنین فرمودند که: «یکی از اهداف مذاکره‌کنندگان که واقعاً زحمت کشیدند و عرق ریختند این بود که با سرمایه‌گذاری خارجی گشایش اقتصادی ایجاد شود، [اما] دو روز قبل مسئول آمریکایی گفت کاری می‌کنیم که کسی جرئت نکند در ایران سرمایه‌گذاری کند، اینکه بنده ۱۰ بار گفتیم نمی‌شود به آمریکا اعتماد کرد، نمایش این است، ۲ سال مذاکره، حالا که تمام شد می‌گویند ما نمی‌گذاریم.»

یک سال بعد، رهبر انقلاب در جمع همین مردم آذربایجان، «راهبرد» آمریکا علیه ایران را، نه جنگ نظامی، بلکه «جنگ اقتصادی» مطرح کردند. البته آمریکایی‌ها بسیار تلاش دارند تا این نکته انحرافی را برای برخی از مسئولین و حتی مردم ایران جا بیندازند که «همه گزینه‌های روی میز است»، همان‌طور که رئیس‌جمهور جدید آمریکا، در هفته‌های گذشته گفت که «همه گزینه‌ها در خصوص توافق با ایران بر روی میز است». مقامات اروپایی نیز که مانند همیشه، سیاست رله کردن نقشه آمریکایی‌ها را عهده‌دار بوده‌اند، در همسویی با آمریکا، صحبت از آن کردند که اگر برجام نبود، جنگ نظامی علیه ایران حتمی بود. آنچنان‌که «فرانسوا اولاند» رئیس‌جمهور فرانسه در دیدار با مقامات ایرانی به آن اشاره کرد و یا «فرانک والتر اشتاین مایر» وزیر سابق امور خارجه آلمان و رئیس‌جمهور فعلی گفت: «لغو برجام باعث آغاز جنگ در خاورمیانه می‌شود.»

■ **بلوف آمریکایی‌ها درباره جنگ نظامی**

ایا واقعا همان گونه است که مقامات آمریکایی و اروپایی ترسیم کرده‌اند؟ آیا به راستی، گزینه نظامی، در دستور کار مسئولین آمریکا قرار داشته و دارد؟

با اندک تأمل پیرامون تحلیل‌هایی که در این‌باره در رسانه‌های بین‌المللی منتشر شده است به خوبی می‌توان دریافت که این موضوع، بلوفی بیش نیست. آنچنان‌که وب‌سایت الجزیره در این باره نوشت: «هقق قدرت استراتژیک ایران در منطقه و فقدان حمایت بین‌المللی از حمله به ایران، با پیامدهای فاجعه‌باری که خواهد داشت، ترامپ و تیمش را از رویارویی نظامی با این کشور دور نگه خواهد داشت.» از سوی دیگر، افکار عمومی آمریکا تحمل درگیری نظامی با ایران و فرو رفتن در باتلاقی دیگر را ندارد، بنابراین به حمله به عراق و افغانستان در برابر آن، مثل قدم زدن در پارک است.»

همچنین در گزارش موسوم به گزارش راهبردی شخصی قدرت نظامی آمریکا در سال ۲۰۱۵، بر بررسی وضعیت قدرت نظامی این



کشور پرداخته شده و توان ارتش آمریکا از لحاظ ظرفیت و قابلیت در سطحی پایین‌تر از سطح متوسط «جزئی» قرار دارد. در این گزارش چنین آمده است: «ارتش آمریکا جهت انجام فعالیت‌هایی فراتر از این یک منازعه منطقه‌ای جدیداً با مشکلاتی روبرو خواهد شد و مطمئناً از تجهیزات کافی جهت پرداختن تقریباً همزمان به دو رویداد منطقه‌ای عمده برخوردار نیست. کاهش مداوم منابع مالی و متعاقباً تنزل نیروی نظامی باعث شده تا این نیرو تحت فشارهای چشمگیری قرار گیرد. فرآیندهای اقتصادی نگهداری و تعمیر به تعویق افتاده‌اند؛ واحدهای کمتری (عمدتاً بلاطرفه‌های نیروی دریایی و نیروهای عملیات ویژه) در معرض فرآیند استقرار عملیاتی چرخشی و طولانی‌مدت قرار می‌گیرند، مهلت استفاده از تجهیزات قدیمی تمدید می‌شود.»

موضوع دیگر مسئله ضعف و ناتوانی اقتصادی این کشور برای شروع جنگی دیگر است. چند صیحه پیش، «فجرنی لیکر» از مسئولان عالی‌رتبه بانک مرکزی آمریکا در سخنرانی خود گفت: «در حالی که سه سال پیش رشد اقتصادی آمریکا از سر گرفته شد، امروز بازار دیگر با کندی رشد اقتصاد کشور روبرو هستیم و نرخ بیکاری نیز در کشور در حال افزایش است. این مشکلات را می‌توان تا اندازه‌ای ناشی از عدم توان‌های اساسی اقتصادی دانست که در سال‌های اخیر در اقتصاد کشور اصلاح نشده است.»

■ **موقعیت ژئواکونومیک ایران و جنگ اقتصادی آمریکا**
حال که مشخص شد آمریکایی‌ها ناتوان از ایجاد جنگ نظامی علیه ایران هستند، باید پرسید پس سیاست آنها در قبال ایران چیست؟ جواب آن است که آنها برای اینکه بتوانند ایران را «مهار» کنند، جنگ جدیدی علیه ایران راه انداخته‌اند که پیشتر توسط رهبر انقلاب، بارها و بارها به آن اشاره شد: جنگ اقتصادی.

جغرافیای اقتصادی ایران که در فضای بی‌نظیر قرار گرفته، سبب شده است تا قدرت اقتصادی ایران مورد طمع آمریکایی‌ها قرار گیرد. آمریکایی‌ها به خوبی از بتانسیل تبدیل شدن ایران به یکی از قطب‌های اقتصادی بین‌المللی باخبر هستند. شاید همین موضوع سبب شده بود تا وزیر امورخارجه ایالتیاطا اظهار دارد: «شرکت‌های مختلف اقتصادی اینتالیبا اشتیاق فراوانی دارند که سطح مناسبات و همکاری‌های خود را با جمهوری اسلامی ایران هر چه بیشتر ارتقاء دهند». روزنامه «فرانکفورتر گلماینه» نیز اول ماه می سال جاری، به نقل از «فولکر ترابز» رئیس بخش خارجی اتاق بازرگانی و صنایع آلمان، بیان داشت: «بهرغم موانع وجودی موجود برای تأمین مالی صادرات به ایران، من همچنان این ارزیابی را واقع‌بینانه می‌دانم که حجم صادرات به این کشور می‌تواند در پنج تا هفت سال آینده به میزان ۱۰ میلیارد یورو در سال برسد.» «ولریش گریلو» رئیس‌اتحادیه صنایع آلمان در ماه ژوئن ۲۰۱۶ نیز در این باره به روزنامه «هندلبرگات» گفت: «همان‌گونه مهم این است که واقعا به این بازار بسیار جالب ایران،آ را پیدا کنیم.» بسا توجه به این موقعیت اقتصادی ایران، آمریکایی‌ها «تهدیدهای اقتصادی» خود را درست بعد از توافق هسته‌ای شروع کردند. اولین اقدام آنها نیز «حجم به اقتصاد ایران با موضوع بالا بردن خطر سرمایه‌گذاری در این کشور بود.» از همان روزهای نخست توافق هسته‌ای، وزیر وقت انرژی آمریکا، «ارنست مونیز» با اشاره به این که شرکت‌های بین‌المللی در خصوص روابط با ایران باستانی محتاط باشند گفت: «درباره روابط اقتصادی با ایران باید بگوییم که ایران کشوری با جمعیت هشتاد میلیون نفری، فرصت‌های زیادی دارد، به ویژه در شرایط جدیدی که پیش آمده است. اما کسانی که می‌خواهند با ایران روابط اقتصادی داشته باشند باید با چشمان کاملاً باز وارد عمل شوند و به گزینه‌هایی همانند باید بدانند که اگر تحریم‌ها بازگشت پیدا کنند، سرمایه‌گذاری بزرگی انجام نخواهد شد.» وال استریت ژورنال نیز در تاریخ ۶ فوریه ۲۰۱۷ مصاحبه‌ای را بازنشر داد با عنوان «جنگ اقتصادی ترامپ علیه ایران.» در این مصاحبه به حال‌چالش جنگ نظامی در منطقه اشاره شده و نهایتاً به جنگ اقتصادی علیه ایران پرداخته می‌شود. این همان چیزی است که «اسکات ریچارد» مقام ارشد سابق آمریکا آن را «مطلقاً یک جنگ اقتصادی» علیه ایران قلمداد کرده است. همه اینها بیانگر آن است که دشمن، پشت دروازه‌های اقتصاد کشور کمین کرده و هرلحظه درصدد ضربه زدن به کشور است، بنابراین علائیت حکم می‌کند که همه توان کشور، معطوف به آمادگی رزم در این میدان باشد.

■ **این چهره تطهیر شدنی نیست**

# لیست سفارت آمریکا از ۴۰ خانواده دوران پهلوی که قدرت بین آنها دست به دست می‌شد

■ **سید روح‌الله امین آبادی**

■ **شاه تنها است زیرا او به دنبال اطلاعات است و نه در جست و جوی مشاوره، چرا که تعداد مددودی در جامعه می‌توانند به او پند و توصیه دهند، او تصمیم می‌گیرد و دیگران اجرا می‌کنند.**

“

کشور محسوب نمی‌شود. تعداد اینان همیشه ثابت نیست و ثروت آن‌ها بر حسب شانس و مهارت اعضایشان کم و زیاد می‌شود... دربار شاه محل اطلاعات خیلی از برنامه‌ها می‌باشد. در خانواده شاه یک طبقه شهوتران و از نظر مالی فاسد وجود دارند، که برجسته‌ترین آن‌ها خواهر دوقلوشی اشرف‌است که صاحب طبعی حریص و تمایلات جنسی مفرط می‌باشد.»<sup>(۱)</sup>

در ادامه این جزوه درباره روایات شاه نیز نکات قابل تاملی در دسترس مامورین آمریکایی قرار گرفته و آمده است «شاه تنها است زیرا او به دنبال اطلاعات است و نه در جست و جوی مشاوره، چرا که تعداد مددودی در جامعه می‌توانند به او پند و توصیه دهند. او تصمیم می‌گیرد و دیگران اجرا می‌کنند.»<sup>(۲)</sup>

■ **مجلسی آلت دست شاه!**

تقلب در انتخابات دوره پهلوی امری است اثبات شده که شاه خود در روزها و ماه‌های پایانی سلطنت خود به آن اعتراف کرده و قول اجرای انتخاباتی سالم را به مردم داد، وعده‌ای که نتوانست مردم را

فریب داده و از راهی که می‌روند منصرف سازد با این وجود اسناد لانه جاسوسی نیز به نقل و صورتی بودن انتخابات در این دوره معتترف است. در جزوه‌ای که ذکر آن رفت آمده است «در طول ۱۲ سال گذشته مجلس آلت دست شاه بوده است و مقاصد شاه را برآورده می‌کرده است و تمام نمایندگان که با دقت به وسیله شاخ‌های می‌شوند حامی برنامه‌های شاه می‌باشند.»<sup>(۳)</sup>

طبیعی است مجلسی که آلت دست شاه بوده و نمایندگان عضو

# خیانت‌های انگلستان از دریچه نفوذ



نوک با تا فرق سرس فرنگی شدن» بود. این طرزتفکر بعدها در دوران پهلوی شدت بیشتری پیدا کرد، اما هیچ‌گاه پیشرفتی دربرداشت. بنابراین، انگلیسی‌ها برای نفوذ در ایران ابتدا به آذهان نخبگان و بعد وارد فضای تصمیم‌گیری یعنی دربار شدند و از این طریق برای ایران شروع به تصمیم‌سازی کردند. تصمیم‌سازی‌هایی که برای سال‌ها ایران را به عقب راند، ایرانی‌ها که در دوران صفویه کشوری به نسبت توسعه‌یافته بود. پس از این نفوذ بود که انگلستان توانست دست به اقداماتی در ایران بزند که ایران را روز به روز تضعیف اما منافع خود را تضمین نماید. یکی از اقدامات انگلستان را که باید ناشی از نفوذ این کشور در ایران دانست پایان دادن به

■ **سراب توسعه–۲**

# رژیمی که منافع غرب را با فقر مردم ایران تامین می‌کرد

■ **سیدروح‌الله لطیفی**

هدررفت سرمایه و منابع به شمار می‌آمد، به ویژه اینکه در هیچ یک از ماموریت‌های خارجی که ارتش شاهنشاهی در آنها مشارکت می‌کرد طرف مقابل هیچ خطری برای منافع ملی ایران محسوب نمی‌شد، به عنوان مثال نیروهای مسلح ایران، به عمان و امیرنشین‌های خلیج‌فارس نیروی نظامی اعزام کرد، در سرکوب جنبش مردم ظفار نقش اساسی داشت، نیروی هوایی ایران در کنار آمریکایی‌ها در ویتنام جنگیدند، ایران در طول جنگ‌های داخلی یمن مابین سلطنت‌طلبان و جمهوری خواهان در طی سال‌های ۷۰-۱۹۶۲ در اشکال مختلف و با ارسال اسلحه و آموزش نظامی از جناح سلطنت طلب متمایل به بلوک غرب حمایت نمود، پاکستان نیز در طی جنگ ۱۹۷۱ با هند و نبرد با جدایی‌طلبان جبهه خلق بلوچستان از حمایت مادی و تبلیغاتی دولت شاهنشاهی استفاده نمود، همچنین در اشکال غیر مستقیم با ایرانیان هواییماهی قاتوم برای کمک به، حاکمران ویتنام جنوبی در سال ۱۹۷۲، اعطای جنگ افزار به مراکش در نبرد با جبهه پولیساریو و ارسال هواپیماهای جنگی به اردن و حمایت از رژیم مبارزه با استقلال طلبان ایالت شایا و سومالی در مبارزه با اتیوپی به نقش‌آرایی پرداخت.

اما اینکه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نظام اسلامی نیز از این سلاح‌ها استفاده کرد در واقع ناشی از نفعی بود که ملت انقلابی ایران از این اقدام ناخواسته شاره شد و این ماجرا مصداق ضرب‌المثل «عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد» بود، چه اینکه آمریکا با هدف تأمین منابع خود، به شاه اجازه خرید انواع سلاح‌ها را داده بود ولی پس از اینکه رژیم صدام با تحریک آمریکا با ایران درگیر جنگ شد، ایران انقلابی نیز توانست از همین سلاح‌ها بر علیه منافع خود آنها بهره ببرد.

از طرفی با توجه به افزایش نیازمندی‌های غرب برای هر چه پر رنگ‌تر

آغاز نفوذ انگلستان در ایران را باید از دوره قاجار در سه عرصه حکومتی، خنجیگی و عامه مردم دانست؛ نفوذی که تضمین‌کننده منفعت استعماری انگلستان و کنترل حکومت ایران در دوران قاجار و پهلوی باشد. سال ۱۹۵۲ بانک جهانی طی گزارشی محرمانه پرده از ۴۰ سال چاباول نفت ایران توسط انگلستان برداشت. طبق این گزارش، ایران هیچ سودی از نفت نبرده است.گزارش مذکور آشکار می‌سازد که شرکت نفت انگلیس و ایران با عدم‌اجرای درست و توأم با حسن‌نیت مهادتش در چارچوب امتیاز داری و با مهندسی کردن نحوه تعویض امتیاز داری با قرارداد نامطلوب سال ۱۹۱۳، ایران را از در آمدی بالغ بر ۱۲۰۰ میلیون دلار محروم ساخت. خیانت‌های انگلستان تنها به غارت نفت خلاصه نمی‌شود، بلکه جداکردن افغانستان از ایران، تحمیل قرارداد رویتز، ایجاد فرقه بابیت و بهائیت، به انحراف کشاندن انقلاب مشروطه و روی کار آوردن رضاخان، تقسیم ایران به حوزه نفوذ خود و شوری در سال ۱۹۰۷ و ده‌ها مورد دیگر تنها بخشی از این خیانت‌ها است.

اکتون سوال این است که چگونه انگلستان با همکاری پادشاهان و عوامل حکومتی، در دوران قاجار و پهلوی، برنامه‌های استعماری خود را پیشی می‌برد؟ به عبارتی، کدام قدرت در داخل ایران اجرای برنامه‌های انگلستان را تضمین می‌کرد؟ و این نفوذ درای چه قدرتی است که انگلستان می‌تواند مشروطه را به انحراف کشانده و مقدمات استبداد رضاخان را مهیا کند؟ برای پاسخ به این سؤالات باید به این موضوع تاریخی پرداخت که انگلستان چگونه به ایران نفوذ کرد.

«پیروزی بدون جنگ» لقب مناسبی است که کارشالسان به راهبرد نفوذ داده‌اند، راهبردی که می‌توان انگلیس را در دوران استعماری قرن ۱۹، مبدع آن دانست، بر این اساس، اولین روزنه نفوذ انگلستان در ایران قاجاری،

■ **روند نظامی‌گری رژیم پهلوی**

یکی از پایه‌هایی که رژیم پهلوی بر آن استوار بود و با از بین رفتن آن، اساس حکومت و بلکه نظام شاهنشاهی نیز از میان رفت عبارت بود از ارتش شاهنشاهی و به طور کلی نیروهای مسلح شاهنشاهی که تسلیح و تجهیز آن روز به روز در حال افزایش بود، با این حال برخی در صددند چنین افتاء نمایند که نظامی‌گری شاه نه تنها امر نیشده بلکه کاملاً مثبت و در راستای منافع ملی بود و شاهدهی هم که بر این مسئله ذکر می‌کنند بهره‌برداری نظام جمهوری اسلامی از همان جنگ افزارهای این موضوع باید گفت البته اصل وجود ارتشی قدرتمند یک ضرورت حیاتی در هر کشور مستقلی است اما مسئله اینجاست که ارتش شاهنشاهی یک ارتش وابسته بود که نه برای دفاع از سرزمین بلکه برای دفاع از منافع قدرت‌های جهانی و به ویژه آمریکا طراحی شده بود، چه اینکه دولت آمریکا پس از شکست سپهمنگن و ویتنام، به این نتیجه رسیده بود که حضور مستقیم نظامی، ناآرکامذ بوده و باید در مناطق هدف، دولت‌های دست‌نشانده را جهت تأمین اهداف و منافع نامشروع خود، تقویت نماید، به عنوان نمونه ریچارد نیکسون، در این زمینه می‌نویسد: «در جنگ‌های انقلابی ارتش‌های خارجی نمی‌توانند نبرد کنند، پیروز شوند، ولی چنانچه آنان که در معرض خطر کمونیست‌ها هستند به اندازه کافی مسلح شوند، تعلیم بگیرند و نگران تجهیزات لازم نباشند می‌توانند با چریک‌ها روبرو شده و آنها را شکست دهند نیروهای دفاع محلی و بومی برای رفع این خطرهای کم مایه و محدود بهتر از هر کسی مجهزند»

تحت عنوان «دکترین دو ستونی» اعلام کرده‌دکترینی که اساس آن حفظ امنیت و تأمین منافع غرب در منطقه حساس خلیج‌فارس و دریای عمان است و مسئولیت آن بر عهده دو ستون یعنی ایران به عنوان ستون نظامی و عربستان به عنوان ستون مالی قرار گرفته بود.

شاه نیز در مصاحبه‌ای به این موضوع تصریح کرده و تقویت نامتعارف توان نظامی ایران در آن سال‌ها را اینگونه توجیه می‌کند: «اگر شما ایرانی

نیرومند نداشتند به‌اشدیک که شایسته امنیت شما و سراس منطقه باشد و در مواقع ضروری از امنیت خلیج‌فارس و اقیانوس هند محافظت کند در

آینده چه خواهید کرد، آیا یک میلیون سرباز آمریکایی را در منطقه نگه خواهید داشت، ویتنام دیگری به وجود خواهید آورد؟»

تهیه اسلحه، آن هم مدرن‌ترین و پیچیده‌ترین آنها، برای شخص شاه جنبه مرگ و زندگی را داشت به طوری که اسدالله علم در خاطرات خود

■ **ستون نظامی و عربستان به عنوان ستون مالی قرار گرفته بود.**

“

■ **با روی کار آمدن نیکسون در آمریکا، استراتژی جدیدی تحت عنوان «دکترین دو ستونی» اعلام کرد؛**

■ **دکترینی که اساس آن حفظ امنیت و تأمین منافع غرب در منطقه حساس خلیج‌فارس و دریای عمان بود**

■ **و مسئولیت آن بر عهده دو ستون یعنی ایران به عنوان**

■ **ستون نظامی و عربستان به عنوان ستون مالی قرار گرفته بود.**

“

■ **ستون مالی قرار گرفته بود.**

“